

ترک تعصبات

(نطق حضرت عبدالبها در منزل مبارک - پاریس ۱۳ نوامبر ۱۹۱۱)

هُوَ اللَّهُ

از جمله اساس بهاء الله ترک تعصب وطنی و تعصب مذهبی و تعصب جنسی و تعصب سیاسی است * زیرا عالم بشر به مرض تعصب مبتلا شده و این مرض مزمن است که سبب هلاک است * جمیع اختلافات و جنگ‌ها و نزاع‌ها و خونریزی‌ها سبب این تعصب است * هر جنگی که می‌بینید یا منبث از تعصب دینی است یا منبث از تعصب جنسی یا منبث از تعصب وطنی یا تعصب سیاسی است * و تا این تعصبات موجود عالم انسانی آسایش نیابد * لهذا حضرت بهاء الله می‌فرماید این تعصبات هادم بنیان عالم انسانی است * (اول) نظر به اهل ادیان نمایند * اگر اهل ادیان تابع خدا هستند و مطیع تعالیم الهی تعالیم الهی امر می‌فرماید ابدأ نباید تعصب داشت * زیرا تعالیم الهی صریحست که باید نوع بشر با یکدیگر به محبت معامله کنند و انسان هر قصوری است در خود ببیند نه در دیگری و هرگز خود را ترجیح به دیگری ندهد زیرا حُسن عاقبت مجهول است و نمی‌داند * چه بسیار انسان در بدایت حال نفس زکی بوده بعد منصرف از آن شده نظیر یهودای اسخریوطی در بدایت بسیار خوب و در نهایت بسیار بد شد و چه بسیار که در بدایت بسیار بد است و در نهایت بسیار خوب مثل پولس حواری که در بدایت دشمن مسیح و در نهایت اعظم بنده مسیح * پس عاقبت حال انسان مجهول است در این صورت چگونه می‌تواند خود را ترجیح بر دیگری دهد * لهذا باید که در بین بشر ابدأ تعصبی نباشد نگوید من مؤمنم و فلان کافر نگوید من مقرب درگاه کبریاء هستم و آن مردود زیرا حسن خاتمه مجهول است * (ثانیا) این که باید بکوشد تا نادان را دانا کند اطفال نادان را به بلوغ برساند نفوس بد خلق را خوش خو کند نه این که به او عداوتی داشته باشد بلکه باید به کمال محبت او را هدایت کند * (و ثالث) تعصب جنسی است * این مجرد وهم است زیرا خدا جمیع ما را بشر خلق کرده کل یک جنسیم اختلافی در ایجاد نداریم امتیاز ملی در میان نیست جمیع بشریم جمیع از سلاله آدم هستیم * با وجود این وحدت بشر چگونه اختلاف کنیم که این

آلمانی است این انگلیس است این فرانسه است این ترک است این روم است این ایرانی است این مجرد وهم است * آیا به جهت وهمی جائز است که نزاع و جدال کرد * فرقی را که خدا نگذاشته می توان آن را اعتقاد نمود و اساس قرار داد * جمیع اجناس سفید و سیاه و زرد و قرمز و ملل و طوائف و قبائل در نزد خدا یکسان است هیچ یک امتیازی ندارد مگر نفوسی که به موجب تعالیم الهی عمل نمایند بنده صادق مهربان باشند محبّ عالم باشند رحمت پروردگار باشند * این نفوس ممتازند خواه سیاه باشند خواه زرد خواه سفید هر چه باشند در نزد خدا این نفوس مقربند این نفوس چراغهای روشن عالم بشرند و این نفوس درختان بارور جنت ابهی هستند * لهذا امتیاز بین بشر از جهت اخلاق و فضائل و محبت و عرفان است نه از جهت شرقی و غربی * (چهارم) تعصب سیاسی است * نفوسی در عالم پیدا می شوند که آرزوی تفرد دارند * این نفوس فکرشان این است که مملکت خویش را ترقی دهند و لو سایر ممالک خراب شود * لهذا به جمیع وسائل تشبث نمایند و عاقبت لشکر کشند مملکتی را ویران کنند هزاران نفوس را به قتل رسانند تا یک نامی پیدا نمایند و گفته شود این مدبّر و فاتح فلان مملکت است و حال این که سبب شده که هزاران بیچارگان هلاک شده اند و هزاران خانمان خراب شده هزاران طفل بی پدر و مادر مانده * و این فتوحات هم باقی نمی ماند بلکه یک روزی غالب مغلوب می شود و مغلوب روزی آید که غالب شود * به تاریخ مراجعت کنید چه بسیار واقع شد که فرانسه بر آلمان غلبه کرد و بعد مغلوب شد و چه بسیار که انگلیس به فرانسه غلبه کرد بعد از مدتی فرانسه غلبه نمود * پس این غالبیت نمی ماند منقلب می شود * مادام که باقی نیست چرا انسان تعلق به آن داشته باشد و سبب خونریزی شود و ابناء انسان را که بنیان الهی هستند هدم کند * امیدواریم در این عصر نورانی این تعصبها نماند نورانیت محبت عالم را روشن کند فیض ملکوت الله احاطه نماید رحمت پروردگار شامل کل گردد عالم انسانی از این قیود آزادی یابد و متابعت سیاست الهی کند زیرا سیاست بشر ناقص است اما سیاست الهی کامل است * ملاحظه کنید جمیع را خلق نموده و بجمیع مهربان است و جمیع را از فیض عنایت خود بهره و نصیب می دهد * ما بندهء خدا هستیم بنده باید متابعت مولای خود را به جان و دل نماید

* پس تضرع و زاری و دعا به ملکوت الهی کنید تا این ظلمات زائل شود و نورانیت حقیقی
جلوه نماید *